

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
سؤالات تجزیه و ترکیب آیات ۳۵ الی ۴۳ سوره مبارکه حاقّه

• فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ (۳۵)

۱. معنای فاء در "فلیس له الیوم"
  - عاطفه است بر "إنّه کان لا یؤمن بالله العظیم"
۲. متعلّق "الیوم" و "ههنا"
  - "حمیم" اسم "لیس" و "له" خبر لیس است و "له" متعلّق به فعل عمّ مقدّر است که "الیوم" و "ههنا" نیز متعلّق به آنند.
۳. تجزیه بررسی لغوی "حمیم"
  - ابن فارس برای مادّه حمم ۵ معنی ذکر نموده است که یکی از آن معانی به معنای حرارت است و به دوستی که آنقدر بر انسان مهربان و دلسوز باشد که اگر به او صدمه ای برسد او را داغ کند حمیم می گویند.

• وَ لَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسْلِينٍ (۳۶)

۴. تجزیه و بررسی لغوی "طعام"
  - از فعل غَسَلَ یَغْسِلُ غَسْلًا است که اسم مصدرش غُسْلٌ است و غُسَالَةٌ به آب باقیانده از شستن شیء گویند که عبارت اخرایش غَسْلین است؛ اما این واژه در قرآن به معنای آب متعفن از باقیانده بدن متعفن پاره پاره شده جهنمیان است که همراه با خون و عفونت بسیار است.

• لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ (۳۷)

۶. نقش جمله "لا یاکله إلا الخاطئون"
    - محلاً مجرور نعت برای "غسلین"
- فَلَا أَقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ (۳۸) وَ مَا لَا تُبْصِرُونَ (۳۹) إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۴۰)

۷. نوع فاء در "فلا أقسم"
  - عاطفه بر آیه قبل ولی سببیت را نمیرساند اما ترتیب و تعقیب ذکر را می رساند.
۸. نوع "لا" در "لا أقسم"
  - در این "لا" اختلاف است:

۱. برخی قائلند که نافیه است و نفي آنچه کفار ادعا مي کرده اند آمده است و آن ادعا که در سوره هاي قبل آمده اين است که آنها مي گفتند که اين سخنان اجنه است که به پیامبر مي گویند و او به زبان مي آورد...

۲. برخی قائلند که نافیه است و قسم را نفي مي کند به خاطر عظمت مقسم به را رساندن؛ مانند: لا اقسام بواقع النجوم انه لو تعلمون قسم عظيم؛ اما اینجا این مقصود بعید است.

۳. برخی قائلند لاي زائده براي تأکید مضمون جمله است...

۴. برخی قائلند لاي نافیه شبه زائده است که عرب براي تحقيق و تأکید مطلب اینگونه قسم مي خورد مثل اینکه در فارسي مي گویند نذار قسم بخورم به خدا يا ني خوام قسم بخورم که...

۹. معنای باء در "بما تبصرون"

باء قسم

• وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ (۴۱)

۱۰. معنای باء در "بقول"

باء زائده

نکته: باء زائده کثیرا بر سر خبر "ماي نافیه" و "ليس" مي آید.

۱۱. ترکیب "قلیلاً مَّا تُوْمِنُونَ"

قبلا در آیه ۲۳ سوره ملک در ترکیب این جمله بحث کردیم و آنجا گفتیم:

• نوع "ما": ابن هشام در انتهای بحث "ما" مفصلاً از این آیه بحث نموده است و سه احتمال در آن داده که ما یک احتمال چهارمی هم اضافه کردیم: زائده، اسمیه نکره تامه به معنای شیئی، مصدریه، نافیه؛ اما ابن هشام به دو احتمال مصدریه و نافیه اشکال وارد نموده است پس دو احتمال زائده و اسمیه تامه می ماند که اگر زائده باشد حرف است و برای تقویت کلام یا برای تأکید قلت آمده است و اگر اسمیه تامه باشد برای تقویت قلت آمده است و "قلیلاً"

• قلیلاً: در آن سه احتمال است:

۱. مفعول مطلق نیایی در این صورت موصوف محذوف "ایماناً" است.

۲. ظرف نیایی: در این صورت موصوف محذوف "زمنماً" می باشد.

۳. حال؛ و ما هو بقول شاعرٍ قليلاً ايمانكم به (در اين فرض "ما" مصدریه بوده و

مصدر مؤول فاعل براي قليلاً)

• نقش کلّ جمله: جمله حالیه يا جمله معترضه

• **وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (۴۲)**

۱۲. بررسی لغوي "کاهن"

اسم فاعل از کَهَنَ يَكْهِنُ كَهَانَةً؛ کاهن کسی است که از گذشته يا آینده به طور ظني خبر مي دهد

و مدعي است که علم غيب يا ارتباط با اجنه دارد.

۱۳. معنای باب تفعل در "تذکرون"

مطالعه باب افعال يا تفعیل يعني شما را یادآوری مي دهيم (تذکرکم) اما متذکر ني شويد (ما

تذکرون)

• **تَنْزِيلٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۳)**

۱۴. ترکیب جمله "تنزيل من رب العالمين" و نقش کلّ جمله

ني توان "تنزيل" را مبتدا قرار داد و ما بعدش را خبر، زیرا "تنزيل" نکره غير مسوغه است

بنابراين "تنزيل" را خبر براي ضمير محذوف مي گيريم و "من رب" را متعلق به "تنزيل" مي گيريم.

۱۵. معنای "من" در "من رب العالمين"

۱. "من" نشويه (من ابتدای غایت است که منشأ خلقت و تکوين و وجود شيء را مي رساند)

است.